

مقایسه اجمالی بیمه عمر

و تکافل خانواده

نویسنده:

- دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی

- محمدامین کیخا فرزانه

۱. بیمه در نگاه علما و فقهاء اسلامی

است که عبارت‌اند از: آیت الله محمدی گیلانی، امام خمینی (ره)، آیت الله موسوی اردبیلی، شیخ ابن عابدین، مصطفی احمد زرقا، ابراهیم تحاوی، یوسف موسی، محمد الباهی، علی الخفیف، ضفر شاهدی، محمد مصلح الدین وکیل حنفی، محمد تقی امینی، سید محمد صدیق الروحانی، احمد طه السنوسی، ظفر شدیدی، م.ن. منان، علی جمال‌الدین عواد.

در زمینه بیمه، بین علمای عامه و امامیه، آراء و نظرات مختلفی نسبت به صحت یا رد آن وجود دارد. به صورت کلی، این نظرات را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد.

۱-۱. نظرات علمای عامه و امامیه درباره مشروعیت

انواع بیمه

گروه اول: آن دسته از علما و محققان مسلمان هستند که اعتقاد دارند اجرای بیمه کاملاً صحیح و قانونی است و عنصر ربا ندارد. موافقان مشروعیت قرارداد بیمه، شامل اکثریت قریب به اتفاق علما و صاحب‌نظران شیعه و اقلیتی از علما و صاحب‌نظران عامه

گروه دوم: آن دسته از محققان و اندیشمندان مسلمان هستند که اجرای بیمه را به‌طور عمومی قبول ندارند، اما نسبت به برخی از انواع بیمه اشکال وارد کرده‌اند از جمله بیمه عمر، که معتقد هستند شامل عنصر میسر (قمار) و غرر (جهالت) است و با اصول میراث و

TAKAFUL THE ISLAMIC INSURANCE

وصیت مغایر است. این دیدگاه در همایشی که در ۶ می ۱۹۷۲ در مراکش برگزار شد، مورد پذیرش قرار گرفت. از میان علمایی که دارای چنین دیدگاهی هستند می توان افراد زیر را نام برد: عبدالرحمن عیسی، احمد ابراهیم، مهد موسی، مفتی محمد باخیت، محمد ابو زهرا، شیخ الازهر، شیخ جد الحق علی جد الحق. این دیدگاه در بیانیه اخوت اسلامی و نیز در همایش مجمع مسلمین در قاهره، به سال ۱۹۶۵ نیز مورد تأیید و پذیرش قرار گرفت.

گروه سوم: آن دسته از محققان و اندیشمندان مسلمان هستند که کاملاً بیمه و بیمه‌نامه‌ها را رد می‌کنند و معتقدند آنها شامل عناصر ربا، میسر و غرر هستند. آنان عبارت‌اند از: مصطفی زید، عبدالله القلقلی، جلال مصطفی، السید و شوکت علی خان.

عده‌ای از فقها به طور کلی استدلال می‌کنند که برای صحت عقود، شرایطی تعیین گردیده است و در صورتی که قراردادی حائز تمام این شرایط باشد، عقد

است چه اینکه چنین قراردادی در صدر اسلام وجود داشته یا بعداً به وجود آمده باشد. بیمه نیز از عقود نوظهور است.

اکثریت طرفداران این عقاید را فقها و حقوقدانان عامه تشکیل می‌دهند که در ادامه به دلایل این دسته به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر اشاره می‌گردد.

باتوجه به نبود اتفاق نظر بین اساتید و اندیشمندان و علمای جهان اسلامی در مورد بیمه و انواع آن، به طور مستمر در این زمینه کنفرانس‌ها و سخنرانی‌هایی برگزار شد اما باز هم، منتهی به یک اتفاق نظر در جهان اسلام نشد. به دنبال آن، کشورهای اسلامی به این فکر افتادند تا به یک اتفاق نظر در کشور خود در مورد بیمه برسند. در نهایت در سال ۱۹۷۲ شورای ملی فتوای مالزی در مورد بیمه نظر نهایی خود را داد و به موجب آن بیمه به علت داشتن سه عنصر غرر، میسر و ربا حرام شناخته شد. حرام بودن بیمه باعث شد به فکر جایگزینی برای آن باشند تا اینکه در سال ۱۹۸۴، قانون تکافل در مالزی

LIFE
INSURANCE

تصویب شد.

همچنین گاهی مشخص نیست که آیا اصلاً عوضی پرداخت خواهد شد یا خیر؟ این شبهه در تمام اقسام بیمه عمر وجود دارد؛ زیرا اگر خطر، قطعی و معلوم باشد، بیمه‌گر حاضر به بستن عقد قرارداد نیست. عدم وقوع آن نیز قطعی نیست و گرنه بیمه‌گذار زیر بار چنین تعهدی نمی‌رود. بنابراین، عقد بیمه را عقدی احتمالی دانسته و گفته‌اند: «غرر و ضرر ناشی از احتمال و جهالت، ملازم با عقد بیمه عمر و از ویژگی‌های آن است و در آن، غرر فاحش و بسیار وجود دارد».

پس با توجه به روایت نبوی «نهی النبی عن الغرر» بیمه عمر غیر قابل استفاده است؛ سوم: قرارداد بیمه عمر ربوی است. زیرا بیمه‌گر بیش از پولی که بیمه‌گذار پرداخته است را مدتی بعد به وی می‌پردازد.

چهارم: بیمه عمر، اکل مال به باطل است؛ چرا که در صورت عدم وقوع حادثه بیمه‌شده طبق قرارداد، در برابر حق بیمه‌ای که بیمه‌گذار پرداخته است، چیزی به وی پرداخت نمی‌شود. در این صورت در ازای حق بیمه، عوضی پرداخت نمی‌شود و بنابر حکم صریح قرآن

۲. نظرات و اشکالات فقهی عقد بیمه، به خصوص بیمه عمر متعارف در فقه امامیه

۲-۱. بیمه عمر در فقه امامیه (اشکالات فقهی)

درباره نوع خاصی از بیمه به نام بیمه عمر، فقیهان عامه و برخی فقهاء امامیه به علت تشخیص وجود عنصرهایی مانند: قمار، غرر، ربا و اکل مال به باطل ایراد گرفته‌اند. بررسی این ایرادها و پاسخ به آنها جدی و ضروری به نظر می‌رسد:

نخست: قرارداد بیمه عمر نوعی قمار است. زیرا اگر رویداد مورد نظر اتفاق افتد، بیمه‌گر زیان می‌بیند و اگر اتفاق نیافتد بیمه‌گذار مبلغ پرداخت شده خود را از دست می‌دهد. همچنین بیمه‌گذار مبلغ اندکی می‌پردازد به امید آنکه مبلغ بزرگ‌تری به دست آورد. در حالی که در آیه ۱۰ سوره مائده قمار نهی شده است.

دوم: قرارداد بیمه عمر، غرر دارد. قرارداد بیمه عمر از قراردادهای مالی، معاوضه‌ای و احتمالی است که شامل غرر فاحش است. زیرا بیمه‌گذار از ارزش و زمان جبران هیچ اطلاعاتی ندارد؛ بنابراین دچار جهل است.

درباره نوع خاصی از بیمه به نام بیمه عمر، فقیهان عامه و برخی فقهاء امامیه به علت تشخیص وجود عنصرهایی مانند: قمار، غرر، ربا و اکل مال به باطل ایراد گرفته‌اند.



بیمه عمر، بر تعاون و همکاری بیمه‌گذاران در رفع مشکلات و گرفتاری‌های احتمالی، از زیان‌دیدگان مبتنی است.

وقوع حادثه را نمی‌کشد بلکه خود را در برابر احتمال وقوع خسارت، تحت پوشش قرار می‌دهد و انتظار حمایت دارد.

- اثر و نتیجه اقتصادی

بیمه و قراردادهای بیمه‌ای به‌ویژه بیمه عمر در رونق اقتصادی و تشویق افراد در ورود به فعالیت‌های اقتصادی مفید، نقش مهمی دارد. در حالی که قمار نه تنها نقش مفید اقتصادی ندارد بلکه باعث برهم ریختن فعالیت‌های متعادل اقتصادی نیز می‌شود و نظام کوشش، سود و خدمت را از بین می‌برد.

- اثرهای روحی و روانی

قمارباز همیشه در اضطراب و نگرانی روحی است اما بیمه‌شده، برای خود و خانواده خود (یا کسی که در قرارداد تحت پوشش بیمه عمر وی قرار گرفته است) آرامش روحی و روانی به‌دست می‌آورد. بیمه‌گذار با اقدام درباره بیمه عمر، از شدت خطری که وی و افراد تحت پوشش‌اش را تهدید می‌کند، می‌کاهد.

- اخلاقی

قمار، سرچشمه کینه و عداوت است و رذالت‌های

کریم، اکل مال به باطل، حرام است و بیمه عمر نیز که ممکن است حق بیمه پرداخت شده در ضمن آن، در برابر هیچ باشد، مصداق اکل مال به باطل است و چنین حرمتی متوجه ارکان معامله و سبب بطلان آن است.

۲-۲. پاسخ به اشکال‌های فقهی بیمه عمر در فقه

امامیه

در ادامه به بررسی ایرادهای مطرح‌شده درباره بیمه عمر پرداخته می‌شود:

۱-۲-۲. قمار نبودن بیمه عمر

بیمه عمر با قمار چند تفاوت اساسی دارد که مهم‌ترین

آنها عبارت هستند از:

- انگیزه

قمار باز به قصد کسب درآمد بدون زحمت و با نیت کسب سود از راه شانس و اتفاق، وارد بازی می‌شود و در حقیقت خطر را می‌پذیرد تا به درآمدی اتفاقی دست یابد. اما بیمه‌گذار (بیمه‌شده) به منظور پوشش خطر و ریسک خود، خانواده یا شخص دیگری وارد قرارداد بیمه عمر می‌شود. قمارباز به انتظار بردن و کسب منفعت پیش‌گفته می‌نشیند اما بیمه‌گذار انتظار بروز خسارت یا



اخلاقی را به همراه می‌آورد و نیروهای فعال انسانی را از کارهای مفید اجتماعی به سوی کارهای حاشیه‌ای و مضر می‌کشاند.

- اجتماعی

بیمه عمر، بر تعاون و همکاری بیمه‌گذاران در رفع مشکل‌ها و گرفتاری‌های احتمالی زیان‌دیدگان بناشده است. درحالی‌که قمار، باعث از هم گسیختگی نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌شود و فعالیت‌های مفید و مثبت را در جامعه، چرخه تولید و خدمات مفید و سازنده متوقف می‌سازد.

نتیجه نهایی اینکه بیمه عمر، درست در نقطه مقابل قمار قرار می‌گیرد.

۲-۲-۲. غرری نبودن بیمه عمر

در پاسخ، باید دید منظور از غرر در عقد بیمه چیست؟ آیا می‌توان آن را در ذیل این حدیث نبوی قرار داد؟ اگر مقصود از غرر، فریفتن و گول‌زدن است، این معنا در عقد بیمه عمر منتفی است. چون بیمه‌گر و بیمه‌گذار از شرایط بیمه آگاهی دارند. اگر مقصود جهالت است و از این بابت غرری است؛ باید گفت که هر جهالتی به صحت عقد، خلل نمی‌رساند بلکه جهالتی به عقد ضرر می‌رساند که باعث ابهام عقد شود، اما در جایی که علم

اجمالی درباره عقد حاصل شود، به‌ویژه در غیر مورد بیع (در عقودمانند: شرکت، مضاربه، مساقات، حواله، ضمان و جعاله) همان علم اجمالی به عوضین، کافی است. مانند اینکه با مشاهده یا وصف درباره مال غایب، معامله انجام گیرد. درباره بیمه عمر نیز می‌توان گفت که موضوع و مورد در عقد، طبق قرارداد، شروط و مفاد بیمه‌نامه، به‌طور تقریبی معلوم است. چون تعداد اقساط، مبلغ هر قسط و مقدار مبلغ بیمه‌ای برای پرداخت، همگی به‌طور کامل در حین عقد قرارداد به دقت تعیین می‌شود. درباره عوضین در بیمه عمر نیز باید گفت که بیمه‌گذار حق بیمه را می‌پردازد و در برابر آن تأمین و امنیت خاطر به‌دست می‌آورد. بنابراین به محض انعقاد قرارداد، این تأمین برای بیمه‌گذار پدید می‌آید و چیز مجهولی نیست. از طرفی حق بیمه نیز به‌طور کامل مشخص و معلوم است. معنای دیگری که اکثر لغت‌نویسان در مورد «غرر» آن را پذیرفته‌اند، خطر و زیان است. اگر غرر به این معنا نیز در نظر گرفته شود، باز بیمه از غرر و شمول عقد غرری

خارج است چون نه تنها خطری نیست بلکه قراردادی است که در پی پوشش خطر است و برای رفع خطر پدید آمده است.

۲-۲-۳. ربوی نبودن بیمه عمر

ربا به دو نوع قرضی و معاملی است. مشخص است که عقد بیمه عمر، قرض نیست و شبیه بودن لوازم بیمه عمر به قرض، باعث نمی‌شود آن را به منزله قرض بدانیم. چنان که در صلح نیز، ممکن است مالی در ازای قیمت آن، به ملکیت طرف دیگر درآید، اما این امر، سبب نمی‌شود که صلح را بیع بدانیم و احکام بیع را بر آن، مترتب کنیم. به‌ویژه اینکه در موردهایی از بیمه عمر، شرکت بیمه، طبق قرارداد در شرایطی وجهی پرداخت نمی‌کند، در حالی که، مقتضای همواره بدهکار پولی است که گرفته است. مگر به واسطه ابراء، ضمان یا موردهای دیگر که عدم پرداخت پول به‌وسیله شرکت بیمه در موردهای پیش‌گفته مصداق هیچ یک از آنها نیست. امام خمینی (ره) نیز به صراحت اشاره می‌کند که پرداخت اقساط بیمه، قرض شمرده نمی‌شود. بلکه عقد مستقلی است که در ضمن آن شرط بر پرداخت خسارت (مازاد بر اقساط بیمه) شده است و این شرط لازم‌الاجراست. پس بیمه عمر نمی‌تواند ربای قرضی باشد. به‌نظر می‌رسد اگر چه اسکناس، مکیل و موزون نیست، اما از سنخ معدودهایی که فقیهان در آثار خود آورده‌اند یا در روایت‌های این باب یافت می‌شود نیز نیست. بنابراین اگر بگوییم ربا در معدود هم است. ثبوت ربای معاملی، در معامله‌ای که عوضین، اسکناس باشد و تفاضل نیز وجود داشته باشد، بعید خواهد بود. زیرا شمارش اسکناس، متفاوت با شمارش چیزی مانند تخم‌مرغ است، هر چند معدود شمرده می‌شوند. شمارش تخم‌مرغ شمارش خود تخم‌مرغ است. اما

شمارش اسکناس، شمارش واحد پولی است که به‌وسیله حکومت اعتبار شده است. این پول، امری غیر حقیقی و فقط اعتباری است، اما تخم‌مرغ امری غیر اعتباری است. با توجه به اینکه ربا فقط در مکیل و موزون حرام است، عدم تحقق ربای معاملی در اسکناس، بی‌اشکال به‌نظر می‌رسد. بنابراین می‌توان گفت ربای معاملی نیز در بیمه عمر وجود ندارد، خواه عوض حق بیمه، تأمین، خواه وجهی باشد که شرکت می‌پردازد.

۳. خلاصه اصول نظری و عملی تکافل

با توجه به بررسی‌های فقهی - حقوقی انجام گرفته در این بخش از مقاله برای جلوگیری از تفصیل بیشتر مقاله به توضیح اجمالی تکافل خانوادگی و نقاط تمایز دو نهاد بیمه عمر و تکافل خانوادگی می‌پردازیم تا محاسن و معایب هر یک معلوم شود تا بتوان در عرصه حقوق ایران بر آن تکیه بیشتری نمود.

ریشه فعالیت‌های بیمه اسلامی به پیش از ظهور اسلام، و حتی پیش از تولد پیامبر اسلام (ص) در ۵۶۳ پس از میلاد بازمی‌گردد. بیمه به صورت اصل عاقله میان قبایل عرب بدوی رواج داشته است. بعدها، در پی ظهور اسلام، پیامبر اکرم (ص) در یکی از قضاوت‌های خود در مورد زنی از قبیله هذیل، اصل عاقله را رسماً تأیید نمود. سپس در زمان خلافت خلیفه دوم، این اصل بیشتر به رسمیت شناخته شده و به مورد اجرا گذاشته شد.

ایده اصلی و جوهر قانونی فعالیت‌های بیمه توجیه‌پذیر با اصول شریعت، آن گونه که امروز می‌بینیم، اولین بار توسط وکیل حنفی، ابن عابدین در اوایل قرن نوزدهم میلادی مطرح شد. نتیجه این شد که امروز شاهد فعالیت بیش از ۲۰ شرکت بیمه، بر اساس اصول شریعت در سراسر جهان هستیم. منابع قانون بیمه اسلامی در دیدگاه عامه عبارت‌اند

بیمه به صورت اصل عاقله میان قبایل عرب بدوی رواج داشته است.



فعالیت‌ها بر اساس نظام متعارف، استوار است. آنها نباید در مورد این نکته منفعل باشند بلکه باید راه حلی جایگزین و توجیه‌پذیر بر اساس اصول شریعت بیابند، تا امت مسلمان دچار مشکل نشود.

تنها مبنای تعیین سود بیمه بر اساس قانون اسلامی، قواعد ارث و وصیت است. بنابراین مالک اسمی در قرارداد بیمه عمر تنها معتمد و متولی محسوب می‌شود و بهره‌ور مطلق قرارداد نیست. بر اساس قرارداد، وی موظف است که منافع قرارداد را دریافت داشته و بر اساس قواعد ارث و وصیت میان افراد ذی‌نفع به حق، توزیع نماید.

بر اساس قانون اسلامی، تحت هیچ شرایطی حق بیمه‌های پرداختی به عنوان غرامت بازگردانده نمی‌شود. زیرا اگر بیمه‌گذار مرتکب جرمی شود یا اصل حسن نیت را زیر پا بگذارد، مجازات قانونی شامل حال وی می‌شود، اما این مجازات شامل پرداخت حق بیمه‌های پیشین به عنوان غرامت نیست. بنابراین حق بیمه از محل اموال بیمه‌گذار پرداخت شده و به عنوان پس‌انداز وی در معامله‌ای تجاری تلقی می‌شود.

به علاوه نکات مذکور تأکید می‌کند که در قانون اسلامی، بهره‌ور قرارداد بیمه، حق ندارد کل مبلغ ذکر شده

از: قرآن کریم، سنت پیامبر (ص)، منابع قیاسی، مصالح المرسله، فقه و نوشتارهای مرتبط، نظامنامه‌ها، دعوی‌های اقامه‌شده، احکام دادگاهی، قواعد و دیدگاه‌های حقوقی (فتوا). به عبارت دیگر، اصول بیمه قانون اسلامی، پیرو تأیید اصول الهی شریعت است. اساس عملکرد بیمه اسلامی، اصل الهی همکاری متقابل، همبستگی و برادری است. مبنای عملکرد آن اصل، سرمایه‌گذاری به شیوه مضاربه، یعنی مشارکت در سود و زیان است. این اصل، جایگزینی برای سرمایه‌گذاری بهره (ربا) محور است.

با وجود توجیه کافی برای فعالیت بیمه بر اساس اصول شریعت، دانشمندان مسلمان در این خصوص دچار اختلاف دیدگاه هستند. این دانشمندان به سه گروه عمده، با دیدگاه‌های خاص موافق و مخالف در مورد اعتبار فعالیت بیمه، تقسیم می‌شوند. گروه اول معتقد است که کلیه فعالیت‌های بیمه مشروع و معتبر است، مشروط بر آنکه مشتمل بر عنصر ربا نباشد. گروه دوم اعتبار فعالیت بیمه همگانی را می‌پذیرد، اما مشروعیت فعالیت بیمه عمر را کاملاً رد می‌کند. گروه سوم مشروعیت و اعتبار فعالیت‌های بیمه را کاملاً رد می‌کند. متأسفانه اساس رد ایده فعالیت بیمه از سوی گروهی از علما، بر رد این گونه

جنبه‌های بسیاری دارد که نیازمند توسعه است.

۴. مقایسه بیمه عمر متعارف و تکافل خانواده در

فقه امامیه

هدف اصلی پی‌گیری شده در مقاله، ارزیابی مشروعیت و کاربرد تکافل در فقه امامیه با نگاه حقوق اقتصادی اسلامی بوده است و تحلیل نمونه تفاوت‌های موجود میان قانون این دو نهاد در زمینه شیوه‌های سرمایه‌گذاری متقابل در بیمه است. در این بخش می‌کوشیم با جمع‌بندی این تفاوت‌ها، به ادله اصلی گرایش به هر دو نظام تأمینی دست یابیم. خلاصه تفاوت‌های موجود به این شرح است:

- درباره بیمه عمر نظر غالب فقهاء و حقوق‌دانان این است که بیمه عمر، عقدی غیرمعین است و از طریق اطلاقات و عموماً صحت عقود باید شرعیت آن را اثبات نمود، لکن تکافل خانواده مبتنی بر عقود معینی مثل، مضاربه، و کالت، شرکت، هبه و قرض است و از این جهت از جهت شرعی اشکال و ایرادی ندارد؛ زیرا از طریق عقود معین شرعی اداره می‌شود. به نظر می‌رسد می‌توان به‌طور کلی عقد تکافل را در فقه امامیه به سه شکل منعقد و مبتنی بر همین سه الگو تحلیل نمود:

• عقد تکافل یک عقد مختلط است که از چند عقد اصلی که مورد تراضی طرفین قرار گرفته، تشکیل شده است. از این جهت تکافل شبیه عقد اجاره به شرط تملیک است. بنابراین تکافل متشکل از عقد مضاربه یا وکالت است که با عقد صلح یا هبه مورد تراضی طرفین عقد قرار گرفته است و طرفین با یک ایجاب و قبول، دو یا چند عقد را در قالب یک عقدنامه منعقد و بر آن تراضی نموده‌اند.

• عقد تکافل متشکل از یک تعهد اصلی و یک یا چند تعهد فرعی است، بنابراین عقد تکافل متشکل از

در قرارداد را ادعا کند، مبالغ مجاز مورد ادعا عبارت‌اند از، کل مبلغ حق بیمه‌های پرداختی، سهمی از منافع و سود مشارکت و سهام براساس سیاست شرکت و مبلغی از صندوق خیریه شرکت، که میزان آن به شرایط مالی بهره‌ور بستگی دارد.

در قسمت‌های گذشته گفته شد که در قرارداد تکافل خانواده از دیدگاه عامه، حق بیمه‌های پرداختی در حساب ویژه شرکت کنندگان، تبرع (هبه) محسوب می‌شود، لکن از دیدگاه امامیه این حق بیمه‌ها در قالب مضاربه یا وکالت سرمایه‌گذاری می‌شوند و صرفاً در ضمن قرارداد شرط وکالت در هبه سود و سپس اصل سرمایه این حساب بر عهده شرکت تکافل برای ذی‌نفع بیمه‌ای وجود دارد، بنابراین قرارداد بیمه همگانی مغایرتی با آموزه‌های اساسی قانون اسلامی ندارد.

در قانون اسلامی، قربانی یا بیمه‌گذار در برابر بروز خطر، باید مبلغی منطقی را درخواست کند، تا مغایرتی با اهداف اصلی بیمه، یعنی همکاری متقابل، همبستگی و برادری، نداشته باشد.

چگونگی عملکرد صنعت تکافل در مالزی بسیار پیشرفته‌تر از کشورهای دیگر جهان است. تبدیل تکافل به نهاد مالی جایگزین و رقیب فعالیت‌های بیمه متداول،

یک عقد مضاربه یا وکالت است که ضمن آن شرط هبه یا صلح به فرد زیان‌دیده نیز شده است. به‌نظر می‌رسد مدنظر طراحان تکافل الگوی دوم و سوم بوده است.

- شبهاتی مثل ربا، غرر، قمار و... در فقه عامه و امامیه بر عقد بیمه عمر وارد شده است که باید رفع شوند. اما عقود به‌کاررفته در قرارداد تکافل خانواده عقود معین و عاری از هرگونه اشکال مذکور هستند و از این جهت مورد پذیرش همه فرق اسلامی است و این نظام تأمین، مکمل بانکداری بدون ربا و صکوک اسلامی است. بنابراین، بیمه، بورس و بانکداری، اسلامی خواهند شد و سه رکن مذکور، نظام اقتصادی اسلامی را تشکیل

خواهند داد.

● کلیه تعهدات تکافل‌شونده و متصدی تکافل و حق‌الزحمه یا سود متصدی تکافل و تأمین تکافل‌شونده مبتنی بر عقود معین و کالت، مضاربه، شرکت، هبه و قرض است و عاری از هرگونه شبهه ربا، قمار و غرر است و از این جهت می‌توان تکافل را ابزار تأمین مبتنی بر عقود معین اسلامی دانست و نام بیمه اسلامی را بر آن نهاد.

۵. نتیجه‌گیری

- فعالیت تکافل بر دو قسم است: تکافل عمومی که معادل بیمه عمومی است و تکافل خانواده که معادل بیمه عمر است. تکافل دارای دو الگوی رایج مضاربه و وکالت (یا تلفیق این دو) است که به‌نظر می‌رسد الگوی شرکت هم در تکافل خانواده قابل ارائه است.

- برخلاف نظر مشهور بین فقهاء عامه، اکثر فقهاء امامیه، بیمه عمر را مشروع و مقبول تلقی می‌کنند و بیمه عمر را از شبهاتی مثل ربا، غرر، قمار، اکل مال به باطل و... بری می‌دانند.

- تکافل خانواده به عنوان یک ابزار تأمین جانشین برای بیمه عمر توسط فقهاء عامه طراحی شده است که مبتنی بر برخی عقود معین اسلامی از جمله، مضاربه، وکالت، هبه و قرض است.

- تکافل خانواده مفهوماً و مصداقاً با مبانی فقهی - حقوقی امامیه منافاتی ندارد (چه در قالب عقود معین چه در قالب عقود غیرمعین) و از این جهت مقبول و مشروع است.

منابع

منابع جهت استفاده علاقه‌مندان در دفتر نشریه تازه‌های جهان بیمه موجود است.

